یعقوب آژند[1]

کتابت‌خانه و صورت‌خانه در مکتب هرات

آنچه به نام مکتب نگارگری هرات شناخته می‌شود سه مرحلهٔ تحول دارد: دورهٔ تیمور، دورهٔ شاهرخ، دورهٔ سلطان حسین بایقرا. در دورهٔ شاهرخ، فرزندش بایسنقرمیرزا که خطاطی چیره‌دست و هنرپروری برجسته بود، کتابخانهٔ سلطنتی را در هرات تأسیس کرد. این کتابخانه کارگاه هنری آن دوره بود.

کتابخانهٔ بایسنقر در هرات دو بخش دارد: کتابت‌خانه برای خطاطان و صورت‌خانه برای مصوّران و نقاشان و مذهّبان. از اسناد تاریخی پیداست که در این کتابخانه علاوه بر ساختن کتابهای مصّور، نقش و کتیبهٔ بناها نیز طراحی می‌شد. در آن دوره، جعفر تبریزی (بایسنقری) رئیس یا کلانتر کتابخانه بود.

پس از روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا، بر رونق کتابخانه افزوده شد و این دوره را باید اوج کار کتابخانهٔ سلطنتی هرات نامید. سلطان و وزیر فرهنگ‌دوستش، امیر علی‌شیر نوایی، کاتبان و نقاشان و مذهّبان ورزیده را در کتابخانه گرد آوردند. در آن دوره، آقامیرک هروی را به ریاست کتابخانه گماردند؛ و کمال‌الدین بهزاد در صدر صورت‌خانه و سلطان‌علی مشهدی در صدر کتابت‌خانه بود. بعدها بهزاد و میرمصور به ریاست کتابخانه رسیدند.

۱. درآمد

مکتب نگارگری هرات در سه مرحله به تکامل رسید. مرحلهٔ نخست تقریباً از سال ۷۸۰ تا ۸۰۷ق، مقارن با سالهای فتوحات تیمور است. در این سالها، تیمور فتوحات خود را از ماوراءالنهر شروع کرد و تا آناتولی از یک سو، و هند از سوی دیگر، گسترش داد و سرزمین وسیعی را فرا چنگ آورد. او در صدد لشکرکشی به چین بود که در حدود هفتادسالگی مرد و سرزمینهای مفتوح را برای فرزندانش به ارث گذاشت. تیمور در اثنای فتوحاتش، در زمینهٔ گسترش هنرها و حمایت آنها دو سیاست را به پیش برد: یکی اینکه در هنگام تصرف شهرها، هنرمندان ماهر و پیشه‌وران مبرّز و متبحر را گرد می‌آورد و به سمرقند اعزام می‌کرد؛ دیگر اینکه برای تقویت بنیهٔ مالی و لشکری کشوری خود از مردم مالیاتهای گوناگون می‌گرفت، که از جملهٔ آنها «مال امانی» بود که از خانواده‌های شهرها برای تأمین جان و مال آنها دریافت می‌کرد. به غیر از این مالیاتها، همهٔ اموال منقول و اشیای نفیس و گران‌بها، از جمله کتابها و نسخه‌های نفیس و مجلل و مصور، را غارت می‌کرد و به سمرقند می‌فرستاد. با این سیاستهای تیمور، نیروی انسانی کارآمد و بنیهٔ مالی طرحهای هنری فراز آمد و به‌خصوص پس از مرگ او نتایج مثبت خود را نشان داد و آن شکل‌گیری مکتب نگارگری هرات و شکوفایی هنرها در دورهٔ جانشینان او بود.[2]

مرحلهٔ دوم مکتب هرات از سال ۸۰۷ تا ۸۵۰ق، مقارن با سالهای سلطنت شاهرخ فرزند تیمور، بود. در این دوره، سیاستهای تیمور به بار نشست و هنرمندانی که از شهرهای مختلف به سمرقند اعزام شده بودند در هرات به فعالیت پرداختند و در طرحهای هنری، به‌خصوص کتاب‌آرایی، مشارکت کردند و دورهٔ شکوفایی هنری را، به‌ویژه با حمایت هنرپرورانی چون خود شاهرخ و فرزند او بایسنقرمیرزا و همسر شاهرخ گوهرشادخاتون، پدید آوردند. در این دوره، کتابت‌خانه و صورت‌خانهٔ کتابخانهٔ سلطنتی، که ریشه در تبریز زمان ایلخانان داشت، شکل و سامان کلی یافت و شماری از هنرمندان برجسته در آنجا گرد آمدند و آثار هنری ماندگاری در تاریخ‌نگارگری ایران تولید کردند.[3]

مرحلهٔ سوم مکتب هرات از سال ۸۷۵ تا ۹۱۱ق در سالهای سلطنت سلطان حسین بایقراست، که می‌توان

آن را مرحلهٔ ترقی مکتب هرات نامید. در این دوره، مکتب هرات با حضور شماری از کاتبان و خطاطان زبده و نقاشان و مذهّبان نخبه و پشتیبانی فرهیختگان صاحب‌نامی چون میرعلی‌شیر نوایی در دل کتابخانهٔ سلطنتی پدیدار شد و هنر نگارگری ایران را به قلهٔ تکامل هنری کشاند. در این مرحله نیز کتابت‌خانه و صورت‌خانهٔ کتابخانهٔ سلطنتی هرات نقشی درخور توجه در این شکوفایی هنری داشتند.

گفتنی است که کتابت‌خانه و صورت‌خانه با تحولات هنری زمانه رشدی شگرف یافتند و منشأ کارها و آثار عظیم هنری شدند. کلاً کارگاه هنری کتابخانهٔ سلطنتی با جذب شماری از زبدگان هنری از نظر مفاهیم و واژگان هنری پهنایی بایسته یافت. در باب کیفیت و چگونگی این رشد هنری به فحص می‌پردازیم.

۲. دورهٔ پیشین

دورهٔ پیشین مکتب هرات شامل سالهای حکومت سلطان شاهرخ بن تیمور، ۸۰۷ ـ ۸۵۰ق، است. سیاست هنری تیمور، که طی آن هنرمندان و پیشه‌وران نخبه و زبدهٔ شهرهای مختلف را در سمرقند گردآورد و از غنایم و نفایس آثار و گنجینه‌های به‌تاراج‌رفتهٔ سرزمینهای گوناگون برای پیشبرد پروژه‌های هنری بهره گرفت، در زمان سلطنت شاهرخ بیشتر نتیجه داد. در دورهٔ شاهرخ، علاوه بر خود وی و فرزندانش به‌ویژه بایسنقرمیرزا، اعیان و اشراف هرات هرکدام به ساختن کاخها و باغها و طاقها و رواقها اهتمام ورزیدند. شماری از این عمارت را در بیرون شهر هرات ساختند و شماری را در درون شهر. باغ سفید و باغ زاغان از جملهٔ باغهایی بود که خود شاهرخ ساخت، یا آن را بازسازی و در داخل آن کوشکهایی برپا کرد. این باغ اقامتگاه مخصوص بایسنقرمیرزا بود.

بایسنقرمیرزا در هنر خطاطی زبردست بود و به سبب رعایت حال اهل فضل و هنر، «خردمندان فاضل و هنرمندان کامل از اطراف و اکناف عالم» روی به درگاه او آوردند.[۴] خط و شعر و نقاشی در روزگار او رواج کامل یافت. دولت‌شاه سمرقندی می‌نویسد:

> و هنرمندان را عنایتها کردی و شعرا را دوست داشتی و در تجمل کوشیدی و ندیمان و جلیسان با ظرایف داشتی [...]. و شعر ترکی و فارسی را نیکو گفتی و فهمیدی و به شش قلم خط نوشتی.[۵]

عبدالرزاق سمرقندی می‌نویسد:

> و [بایسنقرمیرزا] مولانا شمس‌الدین هروی، شاگرد مولانا معروف خطاط بغدادی، را به آنجا رسانید که بسیاری از خطوط خویش به نام قبلةالکتاب یاقوت مستعصمی کرده، مبصران جهان به خط یاقوت قبول کردند».[۶]

کتابخانه‌ای که بایسنقرمیرزا در هرات ترتیب داد پناهگاه هنرمندان و پایگاه کاتبان و خطاطان گردید. عبدالرزاق سمرقندی می‌نویسد: «مولانا جعفر تبریزی در انواع خطوط به تخصیص و تعلیق، خواجه میرعلی ثانی بود.»[۷] دولت‌شاه سمرقندی در باب هنرمندان کتابخانهٔ بایسنقرمیرزا می‌نویسد: «گویند که چهل کاتب خوشنویس در کتابخانهٔ او به کتابت مشغول بودند و مولانا جعفر تبریزی سرآمد کُتّاب بوده.»[۸] با همت بایسنقرمیرزا و پدرش شاهرخ، کتابخانهٔ سلطنتی هرات شکل گرفت.

دوست‌محمد هروی می‌نویسد:

> بایسنقرمیرزا استاد سیدی احمد نقاش و خواجه علی مصور و استاد قوام‌الدین مجلّد تبریزی را از تبریز آورده و در هرات مستقر کرد و از آنها خواست تا جُنگی شبیه جنگ سلطان احمد جلایر با همان قطع و مواضع تصویر برای او ترتیب دهند و کتابت آن را نیز بر عهدهٔ مولانا فریدالدین جعفر نهاد.[۹]

از گفتهٔ دوست‌محمد پیداست که هنرمندان یادشده پیش‌تر در کارگاه هنری سلطان احمد جلایر در تبریز کار می‌کرده‌اند و برای او جنگی ترتیب داده بوده‌اند. معلوم است که کتاب‌آرایی مکتب تبریز ایلخانی ذهن و ضمیر هنرپروران تیموری را به خود واداشته بود و آنها آن را الگوی دستاورد هنری خود می‌کردند.

عرضه‌داشتی از مولانا جعفر بایسنقری در دست است که در آن از کارکرد کتابخانهٔ سلطنتی هرات صحبت می‌رود و پیداست که این کتابخانه، همچون کتابخانهٔ دورهٔ ایلخانان، کارکردی دوسویه داشته و دو بخش مهم کتابت‌خانه و صورت‌خانه در اختیار خطاطان و کاتبان و نقاشان و مصوران بوده و آنان طرحهای مهم هنری را هم‌زمان اجرا می‌کرده‌اند. این *عرضه‌داشت*، یا گزارش کار، به خط و انشای جعفر بن علی تبریزی بایسنقری، رئیس کتابخانهٔ بایسنقرمیرزاست، و در آن گزارش کار

هنرمندان کتابخانه ثبت شده است که هر یک روی طرحی کار می‌کردند (سند یادشده امروزه در آلبوم فاتح موزهٔ توپ‌قاپی‌سرای استانبول محفوظ است).

عرضه‌داشت از نخستین اسناد در باب عملکرد دو بخش مهم کتابخانه، یعنی کتابت‌خانه و صورت‌خانه، است. جالب اینکه در آن، اصطلاح صورت‌خانه برای بخشی به کار رفته که در آن نقاشان و مصوران کار می‌کردند. در این سند، از ۲۲ طرح هنری صحبت و از ۲۳ تن هنرمند نقاش، خطاط، مذهب، مجلد، جدول‌کش و غیره یاد شده است.[۱۰] این سند تاریخ ندارد؛ اما از نام و نشان هنرمندانِ یادشده در آن پیداست که مربوط به کتابخانهٔ بایسنقرمیرزاست. در بخشی از آن آمده:

> درگاه سنگ‌تراشی تمام شده و از کاشی‌تراشی کتابه و کنگره مانده و در کارند و فرش ممر تمام شده و در دندان صورت‌خانه نشانده شده و مخارجه نهاده.[۱۱]

یعنی کنگره‌بندی صورت‌خانه تمام شده و مشغول نهادن ایوانک آن‌اند. در جای دیگر می‌نویسد: «کتب‌خانه، که جهت نقاشان بنیاد نهاده، کاتبان و نقاشان نزول کرده»؛[۱۲] یعنی بخش کتابت‌خانه به اتمام رسیده و نقاشان و خطاطان و کاتبان در آن مشغول کار شده‌اند. از این عبارت پیداست که در کتابخانهٔ سلطنتی دو جایگاه مهم برای هنرمندان ــ مصوران و خطاطان ــ ساخته بودند تا آنها در حجره‌های ویژه خود مشغول کار باشند. گفتنی است که در صورت‌خانه، علاوه بر حجره‌های مصوران و نقاشان، طرحها و آثاری از استادان پیشین هم نگهداری می‌شد تا نقاشان، و به‌خصوص شاگردان و نوآموزان، را الگو باشد و آنان با سرمشق قراردادن این آثار بر میزان توانایی هنری خود بیفزایند. کتابخانهٔ بایسنقرمیرزا به قولی در باغ سپید در شمال هرات قرار داشته است.[۱۳]

از این *عرضه‌داشت* برمی‌آید که کتابخانه نقشی شایسته در طراحی نقوش برای انواع دیگر هنرها داشته است. در این سند، از صدف‌تراشی، سنگ‌تراشی (حجاری)، صندل‌بافی، کاشی‌تراشی، و کلاً امور مربوط به معماری و بنّایی تزیینی سخن به میان آمده است. پیداست که همهٔ این امور هنری تحت نظارت رئیس کتابخانه ــ مولانا جعفر بایسنقری ــ بوده است. اگر استادان دیگر، نظیر قطّاعان و وصّالان و فصّالان و مجلّدان، حل‌کاران و لاجوردشویان و غیره، را در نظر بگیریم، شمار هنرمندان کتابخانه بالغ بر دویست‌واندی نفر می‌شود، که طبق اشاره دولت‌شاه، چهل تن آنان را کاتبان تشکیل می‌دادند. این نکته حکایت از برتری خطاطی و کتابت بر نقاشی و تصویرسازی در این مقطع از مکتب هرات می‌کند؛ به‌ویژه که خود بایسنقرمیرزا هم در خطاطی چیره‌دست بود و امروزه پاره‌ای از کتیبه‌های او در مسجد گوهرشادخاتون در مجموعهٔ آرامگاه امام رضا، علیه السلام، بر جاست. این کتیبه‌ها با خط ثلث زیبا نوشته شده است. صورت‌خانهٔ کتابخانه در تهیه طرحهای گوناگون برای سفالگری و فلزکاری و نساجی و قالی‌بافی و غیره فعال بوده است.

نام هنرمندان کتابخانهٔ بایسنقرمیرزا و روابط آنان در نمودار ت۱ درج شده است. در این نمودار، نام هنرمندانی ثبت شده که اسامی آنان به نوعی در منابع هنری این دوره آمده است. دوست‌محمد هروی در بحث از استادان خط نستعلیق می‌نویسد که مخترع این خط ظهیرالدین میرعلی تبریزی بود، و خواجه عبدالله فرزند و شاگرد وی در خط نستعلیق بود. مولانا فریدالدین جعفر این خط را از خواجه عبدالله فراگرفت و در آن تبحر و استادی کامل یافت. مولانا جعفر دو نفر شاگرد داشت: یکی مولانا کمال‌الدین شیخ محمود زرین‌قلم و دیگری مولانا ظهیرالدین اظهر. اینان به «مرتبه‌ای خوشنویس بوده‌اند که خط ایشان [را] از خط استاد ایشان، استادان این فن بهتر می‌دانند.»[۱۴] از دیگر شاگردان مولانا جعفر، مولانا جعفر خلیفه، فرزند او، بود و فرزند مولانا اظهر هم مولانا میرکی بود. این دو فرزند در خط نستعلیق به استادی رسیدند. از شاگردان مولانا اظهر، حافظ حاجی محمد بود که سمت استادی سلطان‌علی مشهدی را داشت؛ ولی عالی افندی معتقد است که مولانا اظهر استاد سلطان‌علی مشهدی بوده است.[۱۵] بعداً در این مورد صحبت خواهیم کرد.

۳. دورهٔ پسین

به‌نظر می‌رسد که تشکیلات کتابخانه در مرحلهٔ پسین مکتب هرات با حضور هنرمندان برجسته‌ای چون کمال‌الدین بهزاد و نظام‌الدین سلطان‌علی مشهدی پیچیدگی و تفصیل بیشتری یافته باشد. در این زمان، دو بخش مهم کتابخانه ــ کتابت‌خانه و صورت‌خانه ــ تعریف شفافی یافت و بر مقدار تولید آنها افزوده شد و از

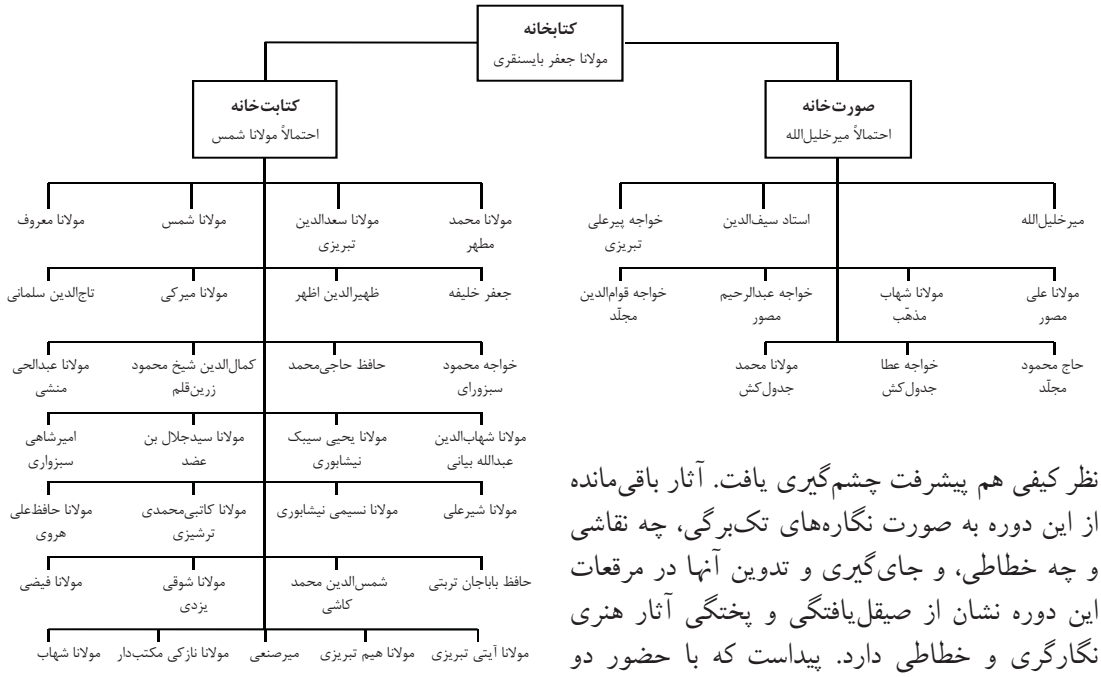

ت ۱. نمودار خطاطان و نقاشان کتابخانهٔ سلطنتی بایسنقرمیرزا (بر پایهٔ منابع مختلف این دوره)

نظر کیفی هم پیشرفت چشم‌گیری یافت. آثار باقی‌مانده از این دوره به صورت نگاره‌های تک‌برگی، چه نقاشی و چه خطاطی، و جای‌گیری و تدوین آنها در مرقعات این دوره نشان از صیقل‌یافتگی و پختگی آثار هنری نگارگری و خطاطی دارد. پیداست که با حضور دو هنرمند برجسته، یکی در حوزه نگارگری و دیگری در قلمرو خطاطی، نسبت پیشین برتری خطاطی بر نقاشی به هم خورده و این دو هنر در کتابخانهٔ سلطنتی به تراز مساوی رسیده بودند؛ به سخن دیگر، عملکرد دو بخش کتابت‌خانه و صورت‌خانه، به لحاظ کیفی و کمّی، هم‌پایه شده است. این نکته را حتی گزینش این دو استاد مرحلهٔ مترقی مکتب هرات به سمت ریاست دو بخش مهم هنری کتابخانه به اثبات می‌رساند.

گفتنی است که در این دوره تشکیل مجالس هنری در حضور سلطان حسین بایقرا یا نخبگانی چون میرعلی‌شیر نوایی در مایه‌ور کردن آثار هنری گامی مهم بوده و حد هنری آثار را ارتقا داده است. از اینها گذشته، به‌نظر می‌رسد هریک از هنرپروران، به غیر از خود سلطان حسین بایقرا، صاحب کتابخانهٔ خصوصی شده و شماری از هنرمندان را به کار گرفته بودند؛ و طبیعی است که چنین تحولی بر حجم و حد آثار هنری و تعداد هنرمندان افزوده است. در چنین اوضاعی، کارستان هنرمندان برجسته‌ای چون بهزاد و سلطان‌علی مشهدی در پایهٔ ارزنده‌ای قرار گرفته و آثار هنرمندان دیگر را از عیبهای روشی و لغزشهای هنری پالوده است.

از قراین پیداست هنگامی که آقا میرک هروی ریاست کتابخانه سلطنتی را داشت، دو هنرمند دیگر این زمان یعنی بهزاد ــ در جوانی ــ و سلطان‌علی مشهدی ــ در پختگی ــ بر دو بخش صورت‌خانه و کتابت‌خانه نظارت داشتند؛ یا دست‌کم طبع هنری برجستهٔ آنان چنین موقعیتی را برای آنان فراهم کرده بود.

می‌دانیم که پس از مرگ شاهرخ و پدیداری آشفتگی سیاسی در هرات، بین شاهزادگان که از برای جانشینی می‌کوشیدند، کتابخانهٔ سلطنتی هرات قوام و دوام پیشین خود را تا حدودی از دست داد و بعضی از اصحاب کتابخانه برای یافتن حامی راهی دیار دیگر شدند. دوست‌محمد می‌گوید که الغ‌بیگ پس از ورود به هرات و سرنگونی عَلَم دولت علاءالدوله‌میرزا، فرزند بایسنقرمیرزا، خراسان را در حیطهٔ تصرف خود درآورد و:

> مولانا شهاب‌الدین عبدالله و مولانا ظهیرالدین اظهر و سایر اهل کتابخانه را در ظل رأفت گورکانی به سمرقند برد و روی تربیت کلی به جانب ایشان آورده، مصاحب خود نمود و امر کتابت تاریخِ زمانِ فضیلت‌نشانِ خود را به ایشان فرمود و یوماً فیوماً، بل ساعة فساعة، دربارهٔ ایشان الطاف می‌نمود و مراسم اشفاق و اعطاف می‌افزود.[۱۶]

از این عبارات پیداست که تشکیلات کتابخانه انسجام پیشین را از دست داده و هنرمندان به سمرقند اعزام و در آنجا تحت توجه الغ‌بیگ به کار مشغول شده‌اند. اما

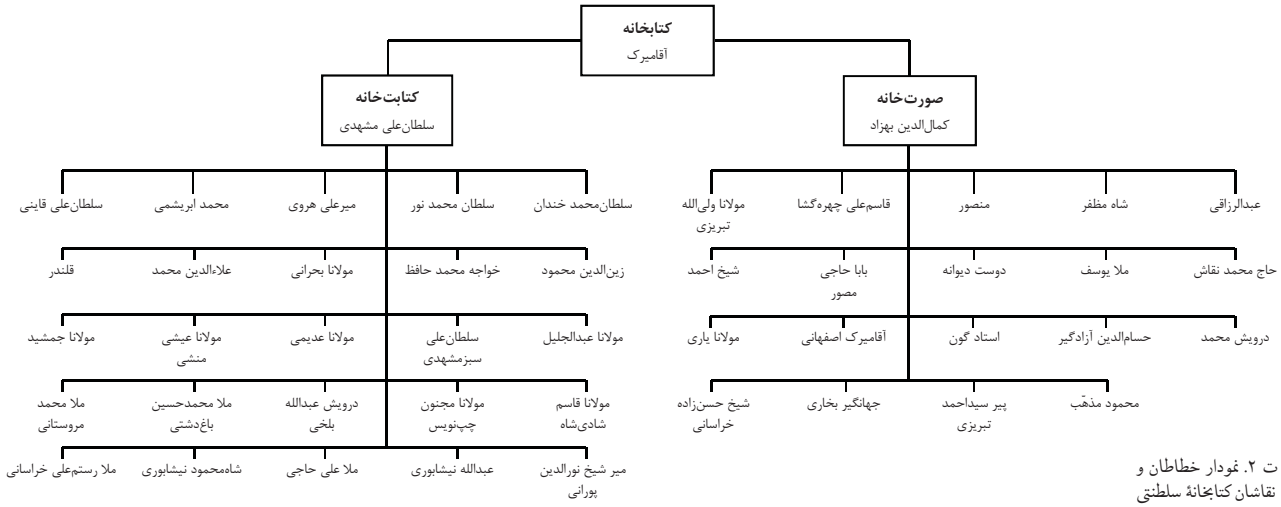

ت ۲. نمودار خطاطان و نقاشان کتابخانهٔ سلطنتی سلطان حسین بایقرا (بر پایهٔ منابع مختلف این (دوره

دولت الغ‌بیگ نیز چندان دوام نیاورد و به‌دست فرزند او، عبداللطیف‌میرزا، برافتاد و خود او نیز به دستور فرزندش کشته شد و آشفتگی سیاسی دگرباره سر برکشید و شاهزادگان تیموری هر کدام در گوشه‌ای عَلَم سلطنت برافراشتند. ابوسعید تیموری توانست مدت درازی بر سر کار باشد؛ اما مرکز قدرت او نه هرات، بلکه سمرقند بود. از قراین پیداست که وی در سمرقند به حمایت از هنرمندان پرداخته و موجبات شکل‌گیری کتابخانه را در سمرقند فراهم کرده بود. هنرمندانی چون اظهر، منصور نقاش (میر مصور بعدی) و غیره در کتابخانهٔ او کار می‌کردند و سلطان‌علی مشهدی در این کتابخانه نخستین بار به خدمت اظهر رسید که ظاهراً بر کتابت‌خانه نظارت داشت.

به هر تقدیر، با روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا در هرات از سال ۸۷۵ق به بعد و علاقهٔ وافر او به هنر و هنرپروری و فضل و دانش و ادب، بار دیگر موجبات شکل‌گیری کتابخانهٔ سلطنتی را فراهم آورد و حضور دانشوران دیگری چون امیر علی‌شیر نوایی در هرات و تشویق و ترغیب هنرمندان و ادیبان و سخنواران بر ابعاد فعالیتهای هنری افزود و کیفیت آثار هنری را ارتقا داد. کتابخانهٔ سلطنتی با جذب هنرمندان از مناطق مختلف تشکیلاتی منسجم یافت و در دو بخش صورت‌خانه و کتابت‌خانهٔ آن، با حضور هنرمندان ماهر و متبحر، آثاری ماندگار در قلمرو تصویر و کتابت پدید آمد.

در این دوره، کتابت‌خانه علاوه بر کتابت نسخه‌ها و آماده‌سازی آنها برای نگارگری، وظایف دیگری چون ترتیب و تنظیم مرقعات برای هنرپروران علاقه‌مند و قطعه‌نویسی برای این مرقعات و نیز کتیبه‌نویسی برای آثار معماری (مساجد، خانقاهها ، مزارها، سنگ قبرها) را بر عهده داشته است. آثار باقی‌مانده از سلطان‌علی مشهدی بر روی سنگ قبرها و کتابه‌های عمارات اندک نیست. از اینها گذشته، کتابت‌خانه نقش قاطع درتربیت و بالاندن خطاطان و کاتبان و تولید آثار هنری داشت. شماری از خطاطان تحت نظر استادان برجسته به فراگیری نکات ظریف کتابت مشغول بودند و در حین کار، آموزش و فراگیری هنر هم برقرار بود.

از انتخاب آقامیرک هروی به ریاست کتابخانهٔ سلطنتی معلوم است که سلطان حسین بایقرا خواسته بود هنرمندانی را برای این شغل برگزیند که در هنرهای مختلف ممارست داشته باشند تا بهتر بتوانند بر هنرمندان دو بخش کتابخانه مدیریت کنند. آقا میرک هروی در تذهیب و تصویر و تحریر (خطاطی) از هنرمندان چیره‌دست به شمار می‌رفت و از طرف دیگر حکم سال‌خوردگی و ریش‌سفیدی هم بر سایر هنرمندان داشت. بعضی از هنرمندان نام‌آور کتابخانه، همچون بهزاد، از خویشان و شاگردان او محسوب می‌شدند. آقا میرک در کتابه‌نویسی برسلطان‌علی مشهدی هم پیشی داشت. ریاست او، که هم بر نقاشی و تذهیب تسلط داشت و هم بر خطاطی و تحریر، می‌توانست منشأ عمل سازنده‌ای در انسجام دو بخش کتابخانه ــ صورت‌خانه و کتابت‌خانه ــ داشته باشد؛ و از ظاهر امر پیداست که چنین پیشرفتی در امور کتابخانه به وقوع پیوسته بود.

در نمودار ت۲ تلاش شده تا از لابه‌لای منابع پراکنده، هنرمندان شاغل در دو بخش صورت‌خانه و کتابت‌خانهٔ کتابخانهٔ سلطنتی شناسایی و ثبت شود. گفتنی است که بهزاد ظاهراً از سال ۸۸۹ق، که فرمان کلانتری کتابخانهٔ سلطنتی را از سلطان حسین بایقرا دریافت کرد، به جای آقا میرک هروی در صدر کتابخانه قرار گرفت. در *منشأ الانشاء* احمد خوافیِ منشی، سندی هست که طبق آن ناصرالدین منصور (میرمصور بعدی) به ریاست مصوّران و مذهّبان و جمیع هنرمندان صورت‌خانه انتخاب شده؛ چون «در صورت‌خانه، به ارباب تذهیب و تصویر ید بیضا نموده، هنرمندی در هرولهٔ خیال، در ارباب کمال دست برده» بود؛[۱۷] و همچون کمال‌الدین بهزاد، در تحریر هم مهارت داشت. به‌نظر می‌رسد که منصور پس از دریافت این فرمان، که نوعی امیری بر مصوران بود، به «میرمصور» شهرت یافت. به هر تقدیر، پیداست که پس از بهزاد، وی ریاست صورت‌خانه را بر عهده گرفت.□

پی‌نوشتها:

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. یعقوب آژند، «سیاست هنری تیمور»، ص ۳۹ـ ۵۷.

۳. همو، «هنرپروری و هنروری در دورهٔ شاهرخ»، ص ۷۵ـ ۹۱.

۴. دولت‌شاه سمرقندی، *تذکرة الشعرا*، ج۱، جزء ۸۳۷/ ۲.

۵. همان، ص ۲۶۴.

۶. عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع سعدین*، ص ۶۵۴ـ ۶۵۵.

۷. همان، ۶۵۵ـ ۶۵۶.

۸. دولت‌شاه سمرقندی، همان، ص ۲۶۴.

9. W. Thackston, *Album Perfaces and other Documents*, p. 13;

نجیب مایل هروی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، ص ۲۶۹.

10. Thackston, ibid., pp. 43-45;

محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، ص ۸۸ـ ۹۱.

11. Thackston, ibid., p. 45.

12. ibid.

13. Lentz and Lowery, *Timur and the Princely Vision*, p. 165.

14. Thackston, ibid., p. 10;

مایل هروی، همان، ص ۲۶۵.

۱۵. مصطفی عالی افندی، *مناقب هنروران*، ص ۶۱.

16. Thackston, ibid., p. 14;

مایل هروی، همان، ص ۲۷۱.

۱۷. مولانا خوافی منشی، *منشأ الانشاء*، ج۱، ص ۲۵۰ـ ۲۵۳.

کتاب‌نامه

آژند، یعقوب. «سیاست هنری تیمور»، در: *پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی*، ش ۳۴، (۱۳۸۱)، ص ۳۹–۵۷ .

ـــــــــ . «هنرپروری و هنروری در دورهٔ شاهرخ»، در: *تاریخ*، ش۳ (۱۳۸۱)، ص ۷۵–۹۱.

دولتشاه سمرقندی. *تذکرة الشعرا*، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۸.

عالی افندی، مصطفی. *مناقب هنروران*، ترجمهٔ توفیق سبحانی، تهران، سروش، ۱۳۶۹.

عبدالرزاق سمرقندی. *مطلع سعدین*، به اهتمام محمدشفیع لاهوری، لاهور، ۱۳۶۵ق، جزء ۲.

کریم زاده تبریزی، محمدعلی. *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، تهران، مستوفی، ۱۳۷۶، ج۱.

مایل‌هروی، نجیب. *کتاب آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد، آستان‌قدس رضوی، ۱۳۷۲.

مولانا خوافی منشی. *منشأ الانشاء*، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.

Lentz and Lowery. *Timur and The Princely vision*, Los Angles, 1989.

Thackston, W. 200T. *Album Prefaces and other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Leiden, Brill, 2001.